

نقد رویکردهای پژوهشی در مقاله‌های علمی - پژوهشی حوزه مطالعات غرب آسیا (1388-1398) ارائه رویکردی بدیل

امیر عباسی خوشکار¹

چکیده

مطالعات و پژوهش‌های غرب آسیا با استفاده از رویکردهای پژوهشی متنوع، در میان منطقه‌پژوهان مراکز آموزشی و پژوهشی داخل کشور انجام می‌شود. دلیلی اصلی استفاده از رویکردهای پژوهشی در تحقیقات علمی، مطالعه دقیق‌تر و عمیق‌تر است. در نوشتار پیش رو 82 مقاله علمی - پژوهشی فارسی‌زبان در بازه زمانی ده‌ساله 1388 تا 1398 بر اساس بررسی توزیع فراوانی در شش رویکرد پژوهشی مطالعه شده‌اند. رویکرد جریان اصلی و به صورت خاص نظریه واقع‌گرایی، بیشترین سهم مقاله‌های پژوهشی را از آن خود ساخته‌اند. همچنین به دلیل وجود ضعف‌های متعدد تبیینی در نظریه‌های حاضر در مطالعات منطقه‌ای، در بخش آخر پیشنهاد شده است. نگاه عمیق شبکه‌ای و پیوند بین واحدهای دولتی و غیردولتی در گستره نظم غرب آسیا و تعامل دو سطح کلان و منطقه‌ای به صورت پیوند همزمانی از جمله ویژگی‌های مثبت و امکانات تبیینی این رویکرد نوین در مطالعات منطقه‌ای است.

واژگان کلیدی: مطالعات غرب آسیا، رویکرد جریان اصلی، رویکرد شبکه‌ای، مقاله‌های علمی - پژوهشی، گره‌های ارتباطی، نظم شبکه‌ای.

1. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران / Khoshkar1392@yahoo.com

1. مقدمه و بیان مسئله

مطالعه پدیده‌های منطقه‌ای نیازمند استفاده از رویکردهای نظری و پژوهشی عالمانه است. در مطالعات منطقه‌ای دو رویکرد کلان جریان اصلی و انتقادی برگرفته از نظریه‌های روابط بین‌الملل مورد استفاده پژوهشگران است. رویکرد جریان اصلی، به رویکردهای واقع‌گرایانه و لیبرالیستی در حوزه سیاست خارجی و مسائل امنیتی گفته می‌شود که بر پایه تبیین‌های مادی و دولت‌محور از پدیده‌های جهانی و منطقه‌ای، جایگاه نخست پژوهش‌های منطقه‌ای را در سطح جهانی از آن خود ساخته‌اند. رویکرد انتقادی، نظریه‌های گفتمان تا سازه‌نگاری و پست‌مدرنیسم را شامل می‌شود که بر بُعد غیرمادی و بازنمایی پدیده‌های انسانی تأکید دارند.

در پژوهش‌های منطقه‌ای، مناطق مختلف با توجه به اهمیت راهبردی، اقتصادی، فرهنگی و یا انرژی، مطالعه و بررسی می‌شوند. نزد پژوهشگران ایرانی به دلیل حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و اهمیت این منطقه در راهبردهای منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ، منطقه غرب آسیا از اهمیت پژوهشی دوچندانی برخوردار بوده است. در این حوزه، مقاله‌های پژوهشی فارسی‌زبان بسیاری توسط محققان ایرانی به چاپ رسیده است. هدف از چاپ این مقاله‌ها، تولید دانش، شناخت نظری و کاربردی و تأثیرگذاری بر ذهنیت تصمیم‌سازان سیاست خارجی بوده است.

مقاله‌های پژوهشی منتشرشده در مجله‌های فارسی‌زبان داخلی از رویکردهای متنوعی بهره برده‌اند. استفاده از رویکردهای نظری مختلف سبب شده است جهت‌گیری پژوهشی و دستاوردهای علمی مقاله‌ها از تنوع‌پذیری بالایی برخوردار باشد. هر یک از رویکردهای پژوهشی با در نظر گرفتن سطح تحلیل مخصوص خود، برجسته‌سازی برخی نیروها و بازیگران و همچنین تمرکز بر بُعد راهبردی یا اقتصادی پدیده‌های به‌وقوع پیوسته از ضعف و ناکارآمدی تبیینی خاصی برخوردارند.

در پژوهش پیش رو، نگارنده در پی ارائه دسته‌بندی و تصویری کمی از رویکردهای پژوهشی 82 مقاله علمی - پژوهشی در مطالعات غرب آسیاست. نقد رویکردهای پژوهشی استفاده‌شده در مقاله‌های پژوهشی انتخاب‌شده در سال‌های 1388-1398 و ارائه رویکردی بدیل برای تقویت محتوای کیفی پژوهش‌های مطالعات منطقه‌ای، هدف نگارش مقاله حاضر است. در بخش نخست، رویکردهای جریان اصلی و انتقادی به‌عنوان دو رویکرد پژوهش‌های مطالعات منطقه‌ای بررسی می‌شود. در ادامه 82 مقاله به صورت کمی و دسته‌بندی‌شده مطالعه می‌شوند. در بخش دوم،

رویکرد شبکه‌ای به‌عنوان رویکردی بدیل و پیشنهادی ارائه خواهد شد.

2. رویکردهای پژوهشی در مطالعات غرب آسیا

رویکردهای مورد استفاده در مطالعات غرب آسیا به دو دسته رویکردهای جریان اصلی و جریان انتقادی تقسیم می‌شوند. رویکردهای جریان اصلی به سه دسته نظریه‌های واقع‌گرایی، لیبرالیسم و اقتصاد سیاسی در طیف متنوعی از نظریه‌ها خلاصه می‌شوند. رویکرد انتقادی نیز مجموعه‌ای از نظریه‌ها را در قالب نقد نظریه‌های رویکرد جریان اصلی شامل می‌شود. این نظریه‌ها عبارتند از: گفتمان، سازه‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی.

2-1. رویکرد جریان اصلی

جریان اصلی با تمرکز بر نیروهای مادی و برجسته‌سازی نقش دولت در تبیین پدیده‌های منطقه‌ای، سهم بزرگی از رویکردهای تبیینی را در مطالعات منطقه‌ای از آن خود ساخته است. در این رویکرد، سه جریان نظری مهم وجود دارند که متشکل از واقع‌گرایی، لیبرالیسم و اقتصاد سیاسی است. واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. روابط بین‌الملل به منزله رشته‌ای علمی بیشتر تحت سلطه واقع‌گرایی و نواقع‌گرایی و مبتنی بر نگرش پوزیتیویستی بوده است و به علت الگوبرداری از روش‌های علوم طبیعی در بیشتر نظریه‌های روابط بین‌الملل، بر اشکال ساده‌شده آگاهانه واقعیت مبتنی بوده است که بر کلیت‌بخشی استقرایی یا مدل‌های قیاسی استوار شده است (عسگرخانی، 1389: 214).

لیبرالیسم مانند واقع‌گرایی بر دولت‌ها تأکید دارد. تفاوت این دو نظریه در تأکید بیشتر لیبرالیسم بر همکاری بازیگران غیردولتی در کنار رقابت میان دولت‌هاست. متغیر گروه‌های اجتماعی و نخبگان سیاسی از دیگر مؤلفه‌های تحلیلی این نظریه است. همکاری یکی از مهم‌ترین عناصر سازنده پدیده‌های منطقه‌ای است که لیبرال‌ها بر آن بسیار تأکید دارند.

اقتصاد سیاسی نظریه دیگری است که بر همکاری‌ها و رقابت‌های اقتصادی در تعیین چگونگی وقوع پدیده‌های سیاسی متمرکز است. رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل بر تأثیرات متقابل مؤلفه‌ها و ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی بر یکدیگر، و وابستگی متقابل سطوح گوناگون ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در تأثیرگذاری بر روند ظهور پدیده‌ها و تحولات گوناگون تأکید دارد و روشی

پژوهش در سیاست بین‌الملل به شمار می‌رود. اقتصاد سیاسی بین‌الملل یک رشته مطالعاتی بین‌رشته‌ای در علوم اجتماعی است که به دنبال کشف، تحلیل و بررسی تغییرات در فرایند جریان‌های اقتصادی و حاکمیت سیاسی است که از مرزهای ملی فراتر رفته است (پوراحمدی، 1394: 95).

این رویکرد پس از پایان جنگ سرد از قوت نظری خاصی برخوردار شد. دوران اندیشه ژئواکونومی، عصر نوینی است که نقش کشورها و ایفای آن منوط به داده‌ها و داشته‌های اقتصادی کشورهاست. نقش‌آفرینی و موقعیت کشورها در گرو توان اقتصادی است که به موجب آن بازیگر یا بازیگران منطقه‌ای، چه به‌عنوان تولیدکننده انرژی یا توزیع‌کننده یا بازیگر تسهیل‌کننده توزیع و یا حلقه‌های مکمل این نظام درهم‌تنیده، به نظام اقتصاد جهانی پیوند می‌خورند (نامی، 1388: 42).

2-2. رویکرد انتقادی

نظریه‌های انتقادی با استفاده از نقد رویکرد جریان اصلی به مطالعات منطقه‌ای راه یافتند. رویکرد انتقادی با غیرمادی دانستن منشأ پدیده‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بُعد ذهن‌گرایی و شناختی برجسته‌ای پیدا کرد. نظریه‌های گفتمان، سازه‌انگاری و جامعه‌شناسی تاریخی در این رویکرد قرار می‌گیرند. نظریه گفتمان بر گفتمانی‌بودن کنش‌ها در شکل‌گیری پدیده‌های انسانی تأکید دارند. برخورد گفتمان‌های مختلف با یکدیگر، زمینه‌های همکاری و رقابت را فراهم می‌سازند.

در مورد مفهوم گفتمان نیز باید گفت هر نوع کلام، گفتار و نوشتار، جریانی اجتماعی محسوب می‌شود و دارای سرشت، ماهیت و ساختار اجتماعی است؛ بنابراین گفتمان پدیده یا جریانی اجتماعی است. گفتمان نوعی ارتباط یا مفاهمه زبانی است که به صورت قراردادی بین گوینده و شنونده و به‌مثابه فعالیتی بین اشخاص دیده می‌شود که شکل آن توسط اهداف اجتماعی‌اش تعیین می‌شود (مک‌دانل، 1380: 49). گفتمان‌ها در شرایط مختلف قدرت و ضرورت، بازنمایی‌های متفاوتی را از زبان به نمایش می‌گذارند که این بازنمایی نه‌تنها در اعتقادات و گرایش‌های دینی ریشه دارد، بلکه به‌شدت متأثر از برداشت، دیدگاه‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و سرانجام نگاه به شیوه زندگی در گذشته، حال و آینده است (بشیر، 1388: 61).

سازه‌انگاری نظریه دیگری است که روی ساخته‌شدن پدیده‌های سیاسی در سطح مناطق با توجه به کنش‌های معنادار دولت‌ها تأکید دارد. از نظر ونت، واقع‌گرایی نواقح‌گرایی و نولیبرالیسم، مادی‌گرا

هستند؛ یعنی بنیادی‌ترین واقعیت‌ها در مورد جامعه را سرشت و سازمان‌دهی نیروهای مادی می‌دانند و در برابر معناگرایان قرار می‌گیرند که بنیادی‌ترین حقایق را سرشت و ساختار آگاهی اجتماعی می‌دانند که به معنای توزیع انگاره‌ها و شناخت‌هاست. ونت با تکیه بر آرای تعامل‌گرایان نمادین بر آن است که اولاً اشخاص بر اساس معانی‌ای که چیزها و سایر کنشگران برای آن‌ها دارند عمل می‌کنند و ثانیاً این معانی در ذات جهان نیستند بلکه در تعامل شکل می‌گیرند (عباسی اشلقی، 1388: 74). سیاست بین‌الملل از دید سازه‌انگاران به‌عنوان یک برساخته اجتماعی، قلمرویی اجتماعی است که ویژگی‌های آن در نهایت از طریق ارتباطات و تعامل میان واحدهای آن تعیین می‌شود (هادیان، 1382: 919).

جامعه‌شناسی تاریخی به معنای مطالعه‌ی اکنون جامعه در پرتو تاریخ و سنت است. جامعه‌شناسی تاریخی در مقابل رهیافت مقطعی و غیرتاریخی کارکردگرایی ساختاری قرار می‌گیرد. درعین‌حال، باید توجه کرد که جامعه‌شناسی تاریخی، اغلب رویکردی موجبی‌انگار به جامعه و تحولاتش دارد. از نظر برخی جامعه‌شناسان همچون اسمیت، جامعه‌شناسی از دل تاریخ بیرون آمده است. مطالعه‌ی پدیده‌های منطقه‌ای از طریق بررسی تاریخ و سنت‌های سازنده‌ی آن در مطالعات غرب آسیا، به صورت موردی و بیشتر توسط محققانی انجام می‌شود که دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه دارند.

در جهت گریز از توهم تغییرناپذیری و جاودانه‌انگاری سنت والتزی، نگاه جامعه‌شناسی تاریخی بر پذیرش و اصرار بر وجود فرایندهای تاریخی دگرگون‌کننده و تحول‌آفرین مبتنی است؛ فرایندی که موجب بازسازی و اصلاح کردارها، نهادها و هنجارها می‌شود. یکی دیگر از تلاش‌های رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی توضیح توهم هم‌ریختی و هم‌منطقی سنت والتزی روابط بین‌الملل است. جامعه‌شناسی تاریخی با رد چنین برداشتی، به دنبال شرح تفاوت‌ها و برش‌های مهم ادوار تاریخی است. منطق حاکم بر دوران جنگ سرد نیز با منطق حاکم بر منازعات میان آنتی‌ها و اسپارت‌ها متفاوت است؛ ازاین‌رو جامعه‌شناسی تاریخی به جای توجه و تأکید بر هم‌منطق و هم‌ریخت‌بودن مسائل، بر بازاندیشی در روابط بین‌الملل و موضوعات و مسائل آن تأکید دارد (احمدیان، 1393: 216).

2-3. توزیع فراوانی بهره‌گیری از نظریه‌ها در مقاله‌های پژوهشی

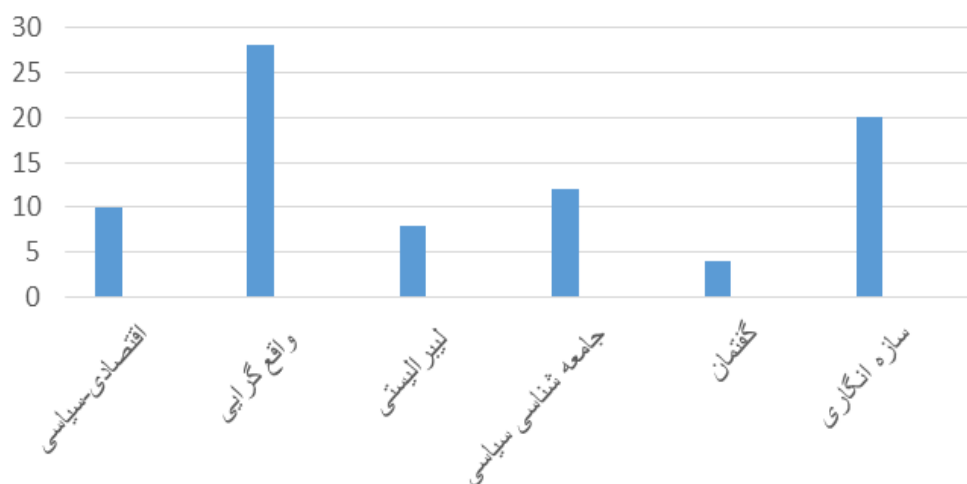
مقاله‌های گزینش‌شده علمی - پژوهشی در حوزه مطالعات غرب آسیا، دارای رویکرد پژوهشی هستند. مقاله‌هایی که از رویکرد پژوهشی خاصی بهره نبرده‌اند، در این مطالعه استفاده نشده‌اند.

رویکردهای نظری مقاله‌های گزینش‌شده در شش دسته واقع‌گرایی، لیبرالیسم، اقتصاد سیاسی، سازه‌انگاری، گفتمان و جامعه‌شناسی تاریخی تقسیم‌بندی شده‌اند. در مجموع 82 مقاله علمی - پژوهشی در بازه زمانی ده‌ساله 1388-1398 استفاده شده‌اند. در ادامه، ضمن بررسی کمی مقاله‌ها به نقد آن‌ها و در بخش بعدی به ارائه رویکردی بدیل خواهیم پرداخت.

1-3-2. بررسی کمی مقاله‌ها

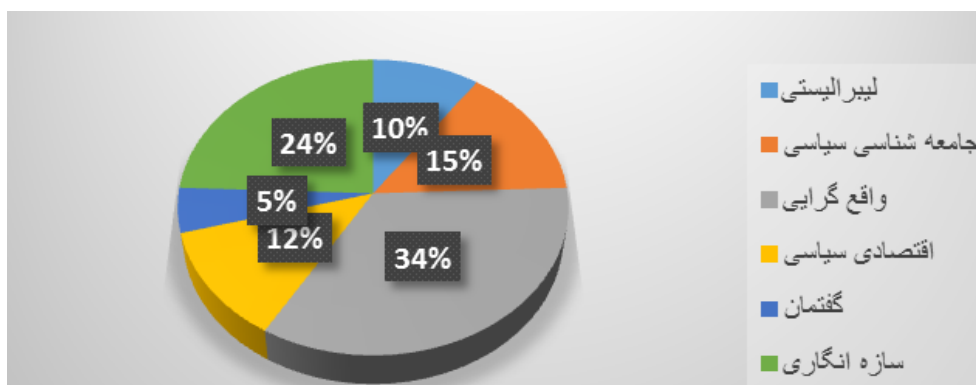
82 مقاله بررسی شده در شش دسته تقسیم‌بندی شده است. واقع‌گرایی با 28 مقاله در رتبه نخست بیشترین تعداد مقاله‌ها در چهارچوبی نظری قرار دارد. سازه‌انگاری با 20 مقاله، جامعه‌شناسی سیاسی با 12 مقاله، اقتصاد سیاسی با 10 مقاله، لیبرالیسم با 8 مقاله و گفتمان با 4 مقاله در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

نمودار شماره 1. توزیع فراوانی رویکردهای پژوهشی استفاده‌شده در مقاله‌های علمی - پژوهشی در حوزه مطالعات غرب آسیا (1388-1398)



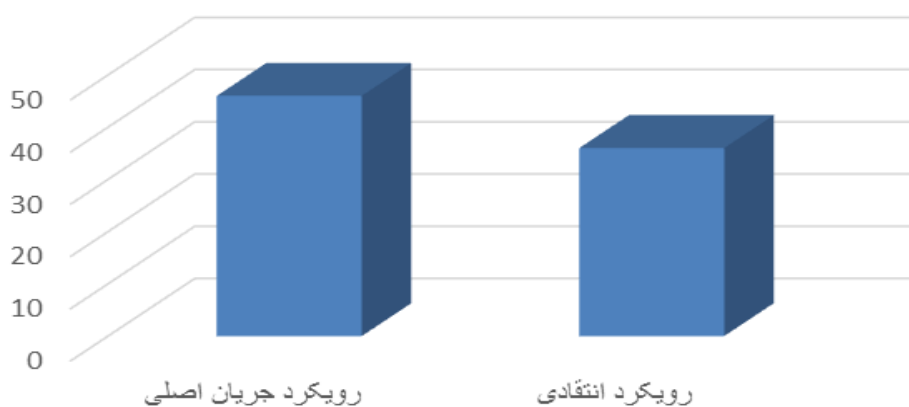
بررسی درصدی مقاله‌ها در شش دسته گفته‌شده با برتری 34 درصدی نظریه واقع‌گرایی همراه بوده است. تقریباً یک‌سوم مقاله‌های نوشته‌شده با استفاده از چهارچوب نظری واقع‌گرایی نوشته شده است. این آمار نشان‌دهنده اقبال نسبی پژوهشگران به این چهارچوب نظری در تبیین پدیده‌های منطقه غرب آسیا است.

نمودار شماره 2. توزیع فراوانی درصدبندی شده رویکردهای پژوهشی استفاده شده در مقاله‌های علمی - پژوهشی در حوزه مطالعات غرب آسیا (1388-1398)



در بررسی انجام شده در دو دسته کلان رویکرد انتقادی و رویکرد جریان اصلی، 82 مقاله بررسی شدند که از این تعداد، 46 مقاله در دسته جریان اصلی و 36 مقاله در دسته رویکرد انتقادی قرار دارند. برتری رویکرد جریان اصلی بر رویکرد انتقادی به صورت سلطه کمی شده درنیا آمده است، ولی به نسبت مقاله‌های رویکرد انتقادی، رویکرد رقیب از برتری کمی بالاتری برخوردار است.

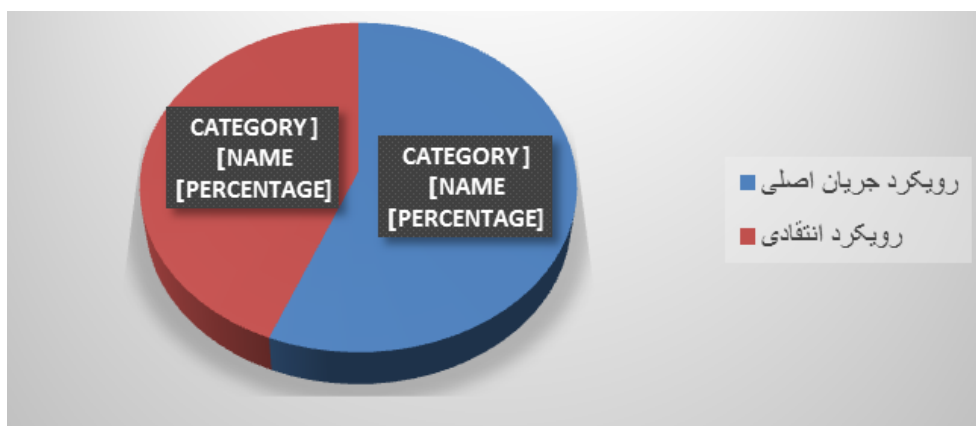
نمودار شماره 3. توزیع فراوانی رویکردهای پژوهشی جریان اصلی و انتقادی در حوزه مطالعات غرب آسیا (1388-1398)



در قالب نمایش کمی - درصدی، رقابت دو رویکرد انتقادی و جریان اصلی را در شکل زیر مشاهده می‌کنید. رویکرد جریان اصلی با 56 درصد و رویکرد انتقادی با 44 درصد در مجموع مقاله‌های بررسی شده در رتبه نخست و دوم قرار دارند.

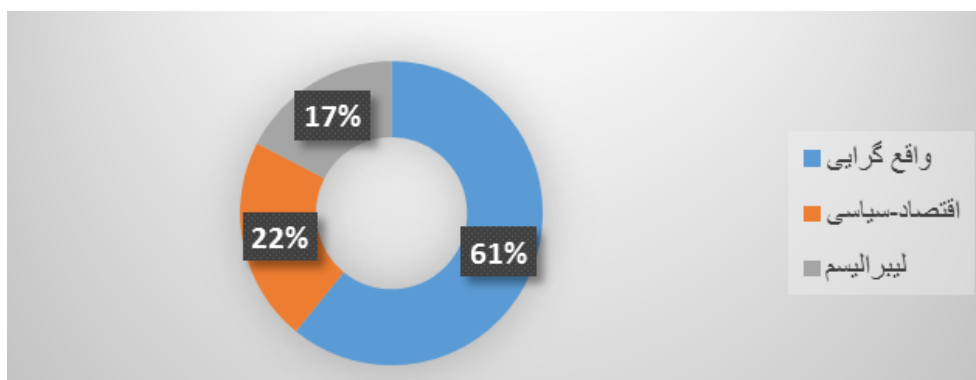
نقد رویکردهای پژوهشی در مقاله‌های علمی - پژوهشی حوزه مطالعات غرب آسیا

نمودار شماره 4. توزیع فراوانی درصدبندی شده رویکردهای پژوهشی جریان اصلی و انتقادی در حوزه مطالعات غرب آسیا (1388-1398)



در رویکرد جریان اصلی سه دسته نظریه وجود دارد. رویکرد واقع گرایی با 61 درصد، تعداد فراوانی بیشتری را نسبت به نظریه اقتصاد سیاسی با 22 درصد و لیبرالیسم با 17 درصد از آن خود کرده است. واقع گرایی در میان نظریه‌های جریان اصلی و در مقایسه با سایر نظریه‌های رویکرد انتقادی، در رتبه نخست قرار دارد.

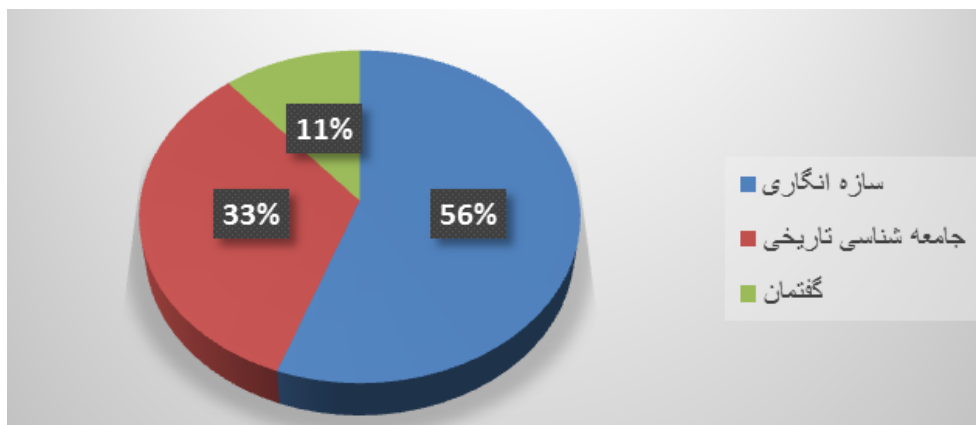
نمودار شماره 5. توزیع فراوانی درصدبندی شده نظریه‌های جریان اصلی در حوزه مطالعات غرب آسیا (1388-1398)



در رویکرد انتقادی نظریه سازه‌نگاری با 56 درصد، بیشترین تعداد فراوانی مقاله‌های نوشته شده را در این رویکرد از آن خود کرده است. در رویکرد جریان اصلی، واقع گرایی و در رویکرد انتقادی سازه‌نگاری بیشترین تعداد مقاله‌های نوشته شده را از آن خود کرده‌اند. نظریه سازه‌نگاری رقیب جدی

واقع‌گرایی در پوشش تعداد مقاله‌های نوشته‌شده است. در رویکرد انتقادی، پس از سازه‌انگاری، جامعه‌شناسی سیاسی با 33 درصد و گفت‌مان با 11 درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

نمودار شماره 6. توزیع فراوانی درصدبندی‌شده نظریه‌های انتقادی در حوزه مطالعات غرب آسیا (1388-1398)



2-3-2. بررسی محتوایی مقاله‌ها

محتوای مقاله‌های پژوهشی متأثر از غلبه رویکردهای نظری مختلفی که استفاده شده‌اند، قالب‌بندی می‌شوند. محتوای مقاله‌ها با توجه به جهت‌گیری نظری موجود در آن‌ها صورت‌بندی می‌شوند. برتری رویکرد جریان اصلی در نگارش مقاله‌های پژوهشی سبب شده است تا محتوای پژوهش‌ها به سمت مطالعه پدیده‌ها بر اساس ارزیابی نیروهای مادی و توزیع قدرت متمایل شود. استفاده از رویکرد جریان اصلی در غرب آسیا به رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های جهانی در منطقه و رقابت‌های قدرت‌های منطقه با یکدیگر محدود شده است. برای مثال در یکی از مقاله‌ها با استفاده از رویکرد جریان اصلی نوشته شده است: «اولویت سیاست‌های خاورمیانه‌ای عربستان در طول دهه گذشته بر عقب‌راندن نفوذ منطقه‌ای ایران متمرکز بوده است. بر این اساس، در زمینه بحران سوریه، عربستان در درجه اول منابع و ظرفیت‌ها را علیه بشار اسد به کار گرفته است و نیروهایی را که در ابتدا در چهارچوب ائتلاف تحت رهبری امریکا علیه داعش اعزام کرده بود، به عرصه نبرد در یمن بر نیروهای تحت نفوذ ایران گسیل داده است» (بهرامی مقدم، 1397: 285).

با استفاده از رویکرد جریان اصلی با پُررنگ‌ترکردن محتوای همکاری در کنار رقابت‌های

منطقه‌ای به همکاری‌های منطقه‌ای نیز اشاره شده است. در سطح منطقه‌ای، رقابت و همکاری در یکی از مقاله‌ها این‌گونه تصویر شده است که «سطح قدرت و جایگاه سوریه، عراق، عربستان، ایران، ترکیه و اسرائیل تحت تأثیر ماهیت رقابتی است که در سطح جهانی و به صورت دوجانبه میان روسیه و آمریکا شکل بگیرد. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل می‌کوشند با همکاری و ائتلاف، جزایری جدا از میدان‌های درگیری خاورمیانه را برای رشد اقتصادی و ارتباطات گسترده بین‌المللی به منظور جذب فناوری و سرمایه ایجاد کنند» (سریع‌القلم، 1395: 106).

در قالب رویکردهای لیبرالی، مسائل فرهنگی و گروه‌های اجتماعی تأثیرگذار بر سیاست خارجی مطالعه شده‌اند. دیپلماسی فرهنگی در خاورمیانه در قالب استفاده از رویکرد لیبرالیستی بحث شده است. گسترش فناوری ارتباطات، اینترنت، رسانه‌های بین‌المللی و تعامل‌های فرادولتی در کنار تحول نظری موجب شده است تا بسیاری معتقد شوند پیشبرد منافع ملی بدون به‌کارگیری فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی کارآمد، امری دشوار و پرهزینه است (کشاوری شکر، 1392: 10). مباحث مرتبط با دیپلماسی عمومی (آدمی، 1392)، ماهیت نخبگان دستگاه سیاست خارجی و مسائل اجتماعی (عاملی، 1395)، در قالب رویکرد لیبرالی مطرح شده‌اند.

در چهارچوب رویکرد اقتصاد سیاسی، بررسی بُعد اقتصادی مطالعه پدیده‌های منطقه‌ای پس از پایان جنگ سرد و با برجسته‌تر شدن مسائل اقتصادی، شکل آشکارتری به خود گرفت. برژینسکی در مقاله خود با عنوان «ژئواستراتژی از راه ژئواکونومی» توضیحات کاملی داده است. در تعیین مناطق ژئواکونومی که انطباق کاملی با قلمروهای ژئواستراتژیک قرن بیست‌ویکم نیز دارند، باز خاورمیانه گسترده همان نقش منطقه ژئواستراتژیک حساس جهان را به خود اختصاص داده و ایران نیز در مرکز آن واقع شده است (نامی، 1388: 44). مقاله‌های اقتصاد سیاسی در حوزه مطالعات غرب آسیا بر تأثیر متغیر اقتصاد بر شکل‌گیری پدیده‌های منطقه‌ای پرداخته‌اند. برای مثال، برخی مقاله‌ها شکل‌گیری بهار عربی را از زاویه نظریه اقتصاد سیاسی مطالعه کرده‌اند.

نظریه جامعه‌شناسی تاریخی در مطالعات غرب آسیا پدیده‌های سیاسی را در بُعد تاریخی به صورت بررسی در قالب جریان‌های زمان‌مند مطالعه می‌کند. برای مثال، در این رویکرد، در مطالعه پدیده توسعه‌نیافتگی از زاویه مطالعه نهادگرایی بر اساس زنجیره توسعه دولت‌های ناکارآمد می‌توان آن‌ها را به دولت‌های ضعیف، شکننده و ورشکسته تقسیم کرد. در سال‌های پس از جنگ سرد و در

عصر استعمارزدایی، این دولت‌ها ابتدا در منطقه افریقا ظاهر شده‌اند. در آن زمان در خاورمیانه دولت‌هایی وجود داشت که عموماً ارائه‌کننده بخشی از خدمات اجتماعی تضمین‌کننده امنیت و بیشتر وابسته به کمک‌های خارجی یا درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی بودند. با آغاز قرن بیست‌ویکم، خاورمیانه نیز وارد عصر تازه‌ای از تحولات شد که در نتیجه آن برخی از دولت‌های ضعیف به سمت دولت‌های شکننده و سپس دولت‌های ورشکسته گذار کردند (عطار، 1397: 136).

در مقاله‌ای در قالب مفهوم انقلاب خاموش که در ارتباط با انقلاب‌های سال 2011 نوشته شده است، با نگاه جامعه‌شناسی تاریخی بیان شده است که انقلاب خاموش اصطلاحی است در ارتباط با تغییر و دگردیسی ماهوی و بنیادی در ارزش‌ها، نگرش‌ها و فرهنگ سیاسی - اجتماعی. بی‌شک چنین انقلابی منجر به تغییر در ساخت رفتاری و کنش‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود. از آنجاکه تحول در سطح ارزشی و نگرشی ناملموس، کند و زمان‌بر است، از عنوان یا پسوند خاموش برای توصیف آن استفاده شده است (سردارنیا، 1394: 6).

نظریه سازه‌انگاری مهم‌ترین نظریه انتقادی در مطالعات روابط بین‌الملل است و با تأکید بر مفهوم هویت توانسته است بدیل مهمی برای رویکرد جریان اصلی به شمار آید. در غرب آسیا، ارزیابی نیروهای مادی به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌گوی تبیین دقیق پدیده‌های پیش رو باشد؛ لذا با بازشدن فضا برای استفاده از رویکردهای انتقادی و به‌طور خاص سازه‌انگاری، استفاده از مفاهیم ذهنی و شناختی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. گروه‌های هویت‌گرا و بازیگران غیردولتی در خاورمیانه تلاش می‌کنند از طریق تولید مقاومت به هویت‌گرایی ایدئولوژیک دست یابند. این امر زمینه ظهور بازیگرانی را فراهم می‌آورد که از طریق هویت مقاومت به نقش‌آفرینی سیاسی و امنیتی در فضای خاورمیانه می‌پردازند. هویت مقاومت نشان می‌دهد گروه‌های اجتماعی در تلاشند تا در برابر فشارهای ناشی از سرکوب و سلطه از طریق واکنش‌های انسانی به بازتولید هویت بپردازند (مصلی‌نژاد، 1391: 144).

برخلاف منازعه‌های گذشته که مبنای اقتصادی، سیاسی یا ایدئولوژیکی داشت، آتش درگیری‌های آینده را عوامل فرهنگی روشن خواهند کرد. در جهان کنونی برخوردهای سیاسی، نظامی و امنیتی جای خود را به برخوردهای فرهنگی داده است. برخوردهای فرهنگی ناشی از تمایزهای فرهنگی و هویت‌یابی فرهنگی به دلیل شدت و عمقی که دارند، جهان را با خطری جدی مواجه ساخته‌اند

(زارعان، 1395: 102). استفاده از نظریه سازه‌انگاری به‌عنوان مبنایی نظری برای تبیین ستیزهای هویتی و اعتقادی پس از تبیین‌های مادی‌گرایانه واقع‌گرایی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. تبیین هویتی از ستیزها به مبحث توزیع شناخت و ساخت‌های ذهنی می‌پردازد.

در یکی از مقاله‌ها گفته شده است: «در خاورمیانه هویت دسته‌جمعی هنوز معنایی نداشته و شکل نگرفته است، چراکه در این منطقه هنوز هویت‌های چندگانه اسلامی، ملی و قومی همراه با احساسات ناسیونالیستی ایرانی، کردی، ترکی و عربی اصلی‌ترین عامل شکل‌دهنده به منازعات بینادولتی و مهم‌ترین مانع شکل‌گیری همگرایی عمیق در میان کشورها است» (رسولی ثانی‌آبادی، 1393: 139). در سطح تعاملات بین‌دولتی با نگاه سازه‌انگاری تعارض‌ها این‌گونه توضیح داده شده است که «انجام اقدامات تحریک‌آمیز نظامی و امنیتی عربستان سعودی و امارات متحده عربی در قبال بحرین، ماهیت هویتی دارد. شکل‌گیری منازعات هویتی مخاطرات زیادی را برای ثبات خاورمیانه عربی، خلیج فارس و آسیای جنوبی ایجاد می‌کند» (مصلی‌نژاد، 1391: 42).

نظریه گفتمان، آخرین نظریه در رویکرد انتقادی در این مقاله است که با پیوند میان گفتمان به‌عنوان مبنای عمل و ظهور پدیده‌های سیاسی و امنیتی توانسته است عنصر و مؤلفه ذهنیت تصمیم‌سازان را وارد مطالعات منطقه‌ای کند. بررسی اسلام‌گرایی و سلفی‌گری در غرب آسیا یکی از حوزه‌های مورد علاقه طرفداران نظریه گفتمان در مقاله‌های بررسی شده بوده است. برای مثال، در یکی از مقاله‌ها آورده شده است: «اسلام سلفی نوعی گفتمان رادیکال یا منظومه معنایی متشکل از مجموعه‌هایی از نشانه‌های به‌هم‌پیوسته است که در کنار هم در برابر گفتمان‌های سکولار مدرن و لیبرالیسم غربی یا سلطه غرب، صف‌آرایی کرده‌اند» (ابراهیمی، 1389: 183).

با برجسته‌تر شدن مؤلفه‌های تأثیرگذار فرهنگی و ارزشی، استفاده از رویکردهای انتقادی به‌رغم برتری رویکردهای جریان اصلی در مطالعات غرب آسیا، از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. یکی از پژوهشگران غرب آسیا این مهم را در قالب مطالعه انقلاب‌های عربی چنین توضیح داده است: «در وضعیتی که اقتدارگرایی در حال افول است، گفتمان‌های اسلام‌گرایی و دموکراسی‌خواهی در حال رقابت و بازمفصل‌بندی عناصر گفتمانی خود هستند تا بتوانند با مقاومت اندک و حمایت بازیگران بیشتر، به جایگاه هژمونی دست یابند. با وجود اینکه شعارهای ایجابی معترضان بسیار اندک و محدود است، اغلب ناظران بر این باورند که در بهار عربی دو گفتمان اسلام‌گرایی و دموکراسی‌خواهی با

گرایش‌های مختلف، از گفتمان حاشیه‌ای به گفتمانی تحول‌ساز و تأثیرگذار تبدیل شده و بیشترین نقش را در روند سرنگونی حکومت‌های این کشورها ایفا می‌کنند» (یزدان‌فام، 1390: 59).

رویکردهای گفته‌شده از کاستی‌های تبیینی متفاوت و مشترکی برخوردارند. رویکرد انتقادی در پاسخ به ناتوانی‌های تبیینی رویکرد جریان اصلی، به حوزه مطالعات روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای وارد شد. وجه مشترک کاستی هر دو رویکرد کلان تحلیلی، در فقدان جمع عناصر قدرت مادی و غیرمادی و شبکه‌ای‌ندیدن روابط و چگونگی شکل‌گیری پدیده‌های منطقه‌ای است. پدیده‌های سیاسی و امنیتی در سطوح مختلف تحلیل می‌شوند و در پیوند اجزا با یکدیگر شکل می‌گیرند. اتصال سطوح مختلف تحلیلی و ارتباطی دیدن شکل‌گیری پدیده‌های سیاسی و منطقه‌ای در رویکرد شبکه‌ای به مطالعات منطقه‌ای امکان‌پذیر است. در بخش بعدی رویکرد شبکه‌ای به‌عنوان رویکردی بدیل برای مطالعه عمیق‌تر و جامع‌تر پدیده‌های منطقه‌ای پیشنهاد خواهد شد.

3. رویکرد پژوهشی پیشنهادی؛ رویکرد شبکه‌ای

رویکرد شبکه‌ای از رویکردهای پژوهشی کمترشناخته‌شده در سطح مطالعات منطقه‌ای است که به‌تازگی وارد این حوزه مطالعاتی شده است. در این بخش، در ابتدا ادبیات موجود در بهره‌گیری از رویکرد شبکه‌ای در مطالعات منطقه‌ای بررسی می‌شود و سپس به معرفی رویکرد شبکه‌ای و مزایای استفاده از آن برای تعمیق محتوای کیفی مطالعات این حوزه نکاتی ارائه خواهد شد.

3-1. ادبیات پژوهشی رویکرد شبکه‌ای

رویکرد پژوهشی شبکه‌ای در آثار مطالعات روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای در مقایسه با سایر رویکردها کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. در حوزه منابع انگلیسی، بوچما¹ (2009) در قالب مقاله‌ای، با استفاده از رویکرد شبکه‌ای به اقتصاد مناطق و شیوه تعامل واحدها و سازمان‌های اقتصادی با یکدیگر در فضاها جغرافیایی، مطالبی را منتشر کرده است. فریتچ² (2013) با استفاده از رویکرد شبکه‌ای، تولید دانش را در پیوند سطح منطقه‌ای و جهانی در روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار داده و با نگاهی شبکه‌ای توانسته است امتیازات این رویکرد را در تبیین عمیق‌تر تولید دانش نشان دهد.

1. Boschma
2. Fritsch

ماسیز^۱ (2014) دیگر محقق در حوزه مطالعات منطقه‌ای است که با استفاده از رویکرد شبکه‌ای مسائل دفاعی و تروریستی را در سطح منطقه‌ای بررسی می‌کند. ملی‌گرایی افراطی یکی از مباحث مهمی است که توسط وی با استفاده از رویکرد شبکه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است.

رسلر^۲ (2006) با استفاده از رویکرد شبکه‌ای، نگاه تازه‌ای به تروریسم و شیوه برخورد دولت‌ها با این پدیده منطقه‌ای دارد. این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های حوزه تروریسم از جامعیت بیشتری برخوردار است. مائوز^۳ (2012) رویکرد شبکه‌ای را در مطالعات بین‌المللی و پیوند آن با مطالعات منطقه‌ای به کار برده است. پیوند دو سطح تحلیل کلان و میانی با استفاده از رویکرد شبکه‌ای، نوآوری وی در پژوهش‌های منطقه‌ای بوده است.

در حوزه مطالعات فارسی‌زبان، فرهاد قاسمی (1393) با بهره‌گیری از رویکرد شبکه‌ای در کتاب «نظریه‌های روابط بین‌الملل: سایبرنتیک و سیاست خارجی» توانسته است نظم را در دو سطح جهانی و منطقه‌ای تبیین کند و مفهوم سیاست خارجی را در این نظم شبکه‌ای شده توضیح دهد. مریم صنیع اجلال (1396) در مقاله پژوهشی خود به نقش دیپلماسی در تولید دانش و شناخت در منطقه غرب آسیا با استفاده از رویکرد شبکه‌ای پرداخته است. ابراهیم عباسی (1393) پژوهشگر دیگری است که با بهره‌گیری از رویکرد شبکه‌ای توانسته است نگاه متفاوتی به مقوله همکاری در غرب آسیا و معضلات موجود در آن بیان‌دازد. در حوزه پژوهش‌های فارسی‌زبان در مطالعات منطقه‌ای و بین‌المللی با استفاده از رویکرد شبکه‌ای، مقاله‌های پژوهشی دیگری نیز هستند که از کمیت ناچیزی برخوردارند.

3-2. رویکرد شبکه‌ای و مطالعات منطقه‌ای

رویکرد شبکه‌ای از منطق تحلیلی و سبک تبیینی خاصی برخوردار است. این رویکرد با گشودن پنجره‌ای تازه به پدیده‌های منطقه‌ای می‌تواند چشم‌انداز نوینی را برای مشاهده دقیق‌تر و عمیق‌تر پدیده‌های سیاسی فراهم آورد. در یک دسته‌بندی کلان دو نوع نظریه داریم: کارگزارپایه^۴ که در آن موجودیت‌ها^۵ ابتدا می‌آیند و روابط نتیجه ویژگی‌های کارگزاران است؛ (2) چشم‌انداز رابطه‌ای^۶ که در

1. Masys
2. Ressler
3. Maoz
4. Actor-based
5. Entities
6. Relational Perspective

آن واحدها^۱ اهمیت و کارکرد نقش خود را از تعامل بین واحدها به دست می‌آورند (Gilde, 2014: 50). رویکرد شبکه‌ای به دسته دوم نظریه‌ها یعنی چشم‌انداز رابطه‌ای تعلق دارد. رویکرد شبکه‌ای از نظریه‌های پیچیدگی بهره می‌گیرد که در آن روابط میان اجزا به صورت سیال و پویا، بدون تصلب رویکرد سیستم‌های ساده، به بهره‌گیری از مؤلفه‌های تحلیلی نظریه‌های پیچیدگی و سامان‌دهی آن‌ها در رویکرد خود پرداخته است. انطباق نظری و مفهومی رویکرد پیچیدگی و شبکه‌ای بر یکدیگر بسیار زیاد است. رویکرد شبکه‌ای بخش‌هایی از مفاهیم رویکرد پیچیدگی را برای تحلیل سیالیت و پیچیدگی‌های مطالعات سیاسی و بین‌المللی به استخدام خود درآورده است.

وات تحلیل شبکه‌ای^۲ را علم عمل متقابل می‌داند و دانستن پنج ویژگی ذیل را در تحلیل شبکه‌ای ضروری می‌داند: (۱) اغلب واحدها در جهان به یکدیگر وابسته‌اند؛ (۲) ارتباطات دارای کارکردهای متنوع‌اند؛ (۳) سیستم‌ها مانند ساختارها عمل می‌کنند؛ (۴) بین ساختار و کارگزار ارتباط متقابل وجود دارد؛ (۵) تعامل ساختار - کارگزار می‌تواند به صورت نظام‌مند الگوسازی و توضیح داده شود (Watt, 2007: 11).

رویکرد شبکه‌ای به نظم با استفاده از مفروض‌ها و مبانی تحلیلی نظریه‌های سیستمی، پیچیده و آشوب، هویت تبیینی و تحلیلی خود را به دست آورده است و با بهره‌بردن از مفاهیم و اتصالات نظری خاص، در پی تبیین و تحلیل دقیق‌تر پدیده‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روابط بین‌الملل است. در رویکرد شبکه‌ای مفهوم ساختار در مطالعات علوم اجتماعی به دلیل ثبات نسبی حاکم بر آن نقد شده است (Bordeleau, 2015: 33). مطالعات مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی و علوم سیاسی با رویکرد شبکه‌ای به دلیل مفروض‌های برگرفته از رویکرد شبکه‌ای متفاوت خواهد بود. در رویکرد شبکه‌ای، مطالعات قدرت و تعاملات مبتنی بر آن از حالت منع‌محور خارج می‌شود و به صورت مطالعه زنجیره‌وار بازیگران و روش‌های ارتباطاتی درمی‌آید و میانجی‌ها و خطوط ارتباطات، مرز میدان نیروها را مشخص می‌سازند (Hennion & Muecky, 2016: 31).

رویکرد شبکه‌ای ریشه در نظریه‌های سیستم‌های پیچیده و آشوبی دارد. ورود هستی‌شناسی پیچیدگی^۳ در مطالعات روابط بین‌الملل سبب‌ساز شکل‌گیری مفهوم چرخش ارتباطی^۴ در تحلیل پدیده‌های منطقه‌ای و جهانی شده است. در ادامه این تحول عمیق نظری، رویکرد تحلیلی ماهیت‌گرا و شی‌گرا که مورد

1. Unites
2. Network Analysis
3. Ontology of Complexity
4. Relational Turn

پذیرش طرفداران جریان اصلی و تجربه‌باوران بود، برای رویکرد ارتباط‌گرا جا باز کرد؛ از این رو در برخی چهارچوب‌های نظری، ارتباط‌محور و تاریخ‌مندی پدیده‌های منطقه‌ای و جهانی در چهارچوب زمینه‌های اجتماعی پذیرفته شد. در همین فضای فکری - نظری بود که هستی‌شناسی ارتباطی^۱ در منظومه نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل وارد شد (Hobson & Hobden, 2002: 20).

در رویکرد شبکه‌ای دو نظریه مرتبط با هم وجود دارد: نظریه نخست، نظریه شبکه اجتماعی^۲ است که اجتماعی‌محور و مبتنی بر بُعد ارتباطی است. این نظریه از مفاهیمی مانند بندها^۳ بازیگران در یک شبکه، گره‌ها^۴ و روابط موجود میان بازیگران برخوردار است. اصول این نظریه عبارتند از: (۱) رفتار یک بند متأثر از رفتار سایر بندهاست. ارتباط متقابل بین بندها وجود دارد؛ (۲) گره‌ها کانال ارتباط اطلاعات در شبکه هستند؛ (۳) این گره‌ها توانایی ایجاد ساختار بین بازیگران شبکه را دارند و بر رفتار آنها اثر می‌گذارند (Gilde, 2014: 55).

نظریه دوم نظریه کارگزار - شبکه است. تعامل کارگزار و شبکه و شیوه شکل‌گیری متقابل هر دو در این رویکرد مهم است (Passoth & Rowland, 2010: 41). در رویکرد شبکه‌ای نظریه کارگزار - شبکه^۵ برای تبیین دقیق‌تر پویایی‌های درون و برون شبکه‌ای و اتصال سطوح تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است. در نظریه کارگزار - شبکه، واحدها ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌های خود را در نتیجه تعامل با سایر اجزا و واحدها به دست می‌آورند (Alcadipani & Hassard, 2010).

توزیع نامتقارن گره‌ها و پیوندها میان واحدها به چندلایه شدن شبکه‌ها منجر شده است. اساس شکل‌گیری لایه‌ها نیز میزان و جایگاه ساختاری واحدها یا مجموعه واحدهاست. بر این اساس، لایه‌های سیستم بین‌الملل عبارتند از: (۱) لایه یا خوشه کلیدی: این خوشه دارای نقش اصلی در سیستم کنترلی سیستم بین‌الملل است؛ (۲) لایه متشکل از خوشه‌ها یا واحدهای بزرگ و تأثیرگذار بر ساختار. این خوشه‌ها نیز در مدیریت کنترلی سیستم مشارکت داشته و در عین حال بخش تحتانی و تحت کنترل خوشه مرکزی به شمار می‌آیند؛ (۳) لایه متشکل از خوشه‌های متوسط تأثیرگذار منطقه‌ای. این خوشه‌ها در سلسله‌مراتب کنترلی در گستره منطقه‌ای قرار داشته و تحت تأثیر فرایند

1. Relational Ontology
2. Social Network Theory
3. Nodes
4. Ties
5. Agent-Network Theory

کنترل خوشه کلیدی و خوشه‌های بزرگی قرار دارند که معمولاً متحد خوشه یا خوشه‌های کلیدی هستند؛ (4) لایه متشکل از خوشه‌های محلی: این خوشه‌ها در معرض فرایند کنترل منطقه‌ای قرار می‌گیرند؛ (5) لایه‌های متشکل از واحدهای ضعیف.

بدین ترتیب بر اساس ساختار و لایه‌های شبکه‌ای، سیستم بین‌الملل به سه گروه اصلی تقسیم می‌شود که عبارتند از: سیستم بین‌الملل با مرکزیت بالا، سیستم بین‌الملل با مرکزیت پراکنده و محدود، و سیستم بین‌الملل با مرکزیت پراکنده و گسترده (فاسمی، 1393: 73).

به دلیل ارتباط محور بودن تعامل گره‌ها در شبکه‌های سلسله‌مراتبی، تبیین پویایی قدرت در این شبکه‌ها به صورت ارتباطی است. نخستین بُعد روش‌شناسی شبکه در مطالعه پدیده‌های روابط بین‌الملل و موازنه قوا، دیدگاه ارتباطی است که ورای تجزیه و تحلیل ساختاری قرار دارد؛ به عبارتی کنترل منابع به صورت خودکار نشانگر قدرت نیست، مگر زمانی که اعمال شود. کنترل منابع شرط لازم است اما شرط کافی نخواهد بود. در نگرش شبکه‌ای، تمرکز بر اعمال قدرت است و موقعیت جغرافیایی چندان اهمیتی ندارد. زمانی که روابط متقابل درون شبکه تأثیراتی را به همراه داشته باشند و مجموعه بیش از توان فردی بازیگران باشد، می‌توان قدرت علی را تشخیص داد. رفتارهای گره‌ها یا حلقه‌های شبکه به صورت متقابل به یکدیگر وابسته‌اند و به همین سبب از خودمختاری رفتاری برخوردار نیستند. پیوند بین گره‌ها، کانال انتقال داده‌ها اعم از داده‌های مادی و غیرمادی را فراهم می‌سازند. در این میان، الگوهای پایدار ناشی از مشارکت میان گره‌ها ساختارهایی را به وجود می‌آورد که تعریف‌کننده رفتارها یا محدودکننده آن‌هاست (فاسمی، 1392: 405).

رویکرد شبکه‌ای از دو مزیت برجسته برای تبیین دقیق‌تر پدیده‌های منطقه‌ای برخوردار است: یکی ارتباطی دیدن پدیده‌ها و دیگری اینکه ابعاد ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچر پدیده‌ها را در پیوند با یکدیگر می‌بیند. در رویکرد شبکه‌ای، بازیگران دولتی و غیردولتی در پیوند عمودی و افقی با یکدیگر به پدیده‌های نوظهور پیش‌بینی‌ناپذیر شکل می‌دهند. برخی بازیگران غیردولتی به دلیل پیوندهای امنیتی و سیاسی محکمی که دارند می‌توانند در صورت‌بندی نظم‌های امنیتی از نقش قانونی برخوردار باشند. پویایی و توجه به پویایی قدرت در کنش‌ورزی‌های میان بازیگران دولتی و غیردولتی در سطوح مختلف، از جمله ویژگی‌های مثبت این رویکرد است.

پیوند سطح کلان (نظم جهانی) به سطح میانی و خرد با استفاده از تبیین‌های مبتنی بر گره‌های ارتباطی و تکثر پیوندهای چندجانبه، سبب می‌شود دامنه عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری پدیده‌ها و

چگونگی مدیریت بحران‌های منطقه‌ای به‌خوبی روشن شود. گذار از تبیین‌های تک‌عاملی و بازیگرمحور با استفاده از رویکرد شبکه‌ای و ارتباط‌محور امکان‌پذیر است. نگاه ارتباطی و پیوندی به قدرت و ارتباطی‌دیدن قدرت در قالب شبکه‌ای گسترده در چهارچوب موازنه هوشمند شبکه‌ای، نوآوری دیگری در مطالعه پدیده‌های منطقه‌ای است که با استفاده از رویکرد شبکه‌ای امکان‌پذیر شده است. رویکرد شبکه‌ای در کنار ارتباطی‌دیدن قدرت، منابع قدرت را نیز متنوع می‌بیند. منابع شناختی و مادی قدرت با استفاده از مدیریت گره‌های ارتباطی، توانایی تأثیرگذاری بر سایر واحدها را جهت کسب نتایج مطلوب دارند. رویکرد شبکه‌ای ضمن دربرگیری منطق و منابع تحلیل سایر رویکردها، به دلیل نگاه شبکه‌ای به تعامل‌های درون‌منطقه‌ای و پیوند آن‌ها با پیوندهای فرامنطقه‌ای و اتصال سطوح مختلف تحلیل در راستای تبیین دقیق‌تر پدیده‌های منطقه‌ای، برتری قابل‌توجهی نسبت به سایر رویکردهای پژوهشی در حوزه مطالعات منطقه غرب آسیا دارد.

جدول شماره ۱. امتیازات تبیینی بهره‌گیری از رویکرد شبکه‌ای

امکانات مفهومی	مفروض‌های کلیدی	امکانات نظری در حوزه مطالعات منطقه‌ای غرب آسیا
<p>قدرت ارتباطی: تبیین ارتباطی قدرت به معنای تأثیرگذاری بر دیگران از طریق پیوندهای ارتباطی است.</p> <p>موازنه هوشمند: برقراری موازنه بین دو یا چند واحد دولتی یا غیردولتی با دستکاری در گره‌های ارتباطی</p> <p>مدیریت گره‌های ارتباطی: دستکاری در گره‌های ارتباطی و پیوندهای ارتباطی بین دو یا چند واحد جهت کسب منافع مطلوب و دفع تهدیدها</p>	<p>پیوندهای ارتباطی میان واحدها سبب شکل‌گیری نظم شبکه‌ای می‌شود. این نظم یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتار واحدهاست.</p> <p>تأثیرگذاری واحدها بر یکدیگر و تعیین نتایج مطلوب از طریق بهره‌گیری از گره‌های ارتباطی متنوع (ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچر) صورت می‌پذیرد.</p> <p>کانونی‌بودن برخی بازیگران در شبکه نظم به معنای این است که آن واحد سیاسی از تنوع و توانایی بالایی در داشتن گره‌های ارتباطی و تسلط بر آن‌ها برخوردار است.</p>	<p>توضیح همزمان شیوه عملکرد سه حوزه ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر به صورت پیوندهای بین واحدهای دولتی و بین واحدهای غیردولتی حاضر در شبکه نظم غرب آسیا</p> <p>اتصال دو سطح نظم جهانی و منطقه غرب آسیا در قالب تبیین گره‌های پیوندی قدرت‌های جهانی و منطقه غرب آسیا و تبیین چگونگی مدیریت گره‌های ارتباطی درون‌منطقه‌ای توسط واحدهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای</p>

4. نتیجه‌گیری

مقاله‌های پژوهشی فارسی‌زبان در حوزه مطالعات غرب آسیا در بهره‌گیری از رویکردهای پژوهشی از تنوع بالایی برخوردارند. دو رویکرد کلان جریان اصلی و انتقادی، هر یک با سه زیرشاخه نظری و در مجموع شش نظریه برای مطالعه 82 مقاله علمی - پژوهشی در سال‌های 1388 تا 1398 مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر برتری رویکرد جریان اصلی و نظریه واقع‌گرایی در مطالعات منطقه‌پژوهشی غرب آسیا در بازه زمانی مشخص شده است. رویکرد جریان اصلی با 56 درصد و نظریه واقع‌گرایی با 34 درصد فراوانی در میان مقاله‌های بررسی‌شده، در صدر رویکردها و نظریه‌های استفاده‌شده در مقاله‌های منطقه‌پژوهشی غرب آسیا قرار دارند.

رویکرد پژوهشی شبکه‌ای رویکرد بدیل و پیشنهادی نگارنده برای تعمیق مطالعات منطقه پژوهشی غرب آسیاست. این رویکرد از امکانات تبیینی و مفهومی متنوعی برای دانش‌پژوهان و محققان حوزه مسائل امنیتی و فرهنگی - اقتصادی غرب آسیا برخوردار است. فرهاد قاسمی استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران از نخستین محققانی بود که از این رویکرد در مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌الملل استفاده کرد. قاسمی در دهه 1380 با انتشار آثار پژوهشی با استفاده از رویکرد شبکه‌ای و سیستمی این رویکرد را به جامعه دانشگاهی کشور معرفی کرد.

نگاه شبکه‌ای و پیوندی به پدیده‌های منطقه‌ای و تبیین ارتباط‌محور پیامدهای امنیتی و چگونگی شکل‌گیری منازعات و فرایندهای صلح‌آمیز منطقه‌ای، در کنار پیوند سطوح کلان جهانی و منطقه‌ای در قالب شبکه‌ای هم‌پیوند و متداخل، از جمله امکانات مفهومی و نظری این رویکرد جدید است. مفاهیمی مانند قدرت ارتباطی و موازنه هوشمند نیز از دیگر نوآوری‌های مفهومی این رویکرد در مطالعات بین‌المللی و منطقه‌ای است.¹

1. نگارنده به همراه یکی از اساتید دانشگاه تهران با استفاده از رویکرد شبکه‌ای، راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی سوریه را تبیین کرده است. ن.ک: قاسمی، فرهاد؛ عباسی خوشکار، امیر (1397)، «پوشش قدرت در نظم‌های منطقه‌ای و راهبرد امنیتی دولت متحد منطقه‌ای: مطالعه موردی راهبرد امنیت ملی اسرائیل در جنگ داخلی سوریه، 2019-2012»، فصلنامه روابط خارجی، شماره 39، پاییز.

فهرست منابع

- آدمی، علی (1392)، «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خاورمیانه‌ای امریکا؛ با تأکید بر دوران اوباما»، جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم، شماره 13، بهار.
- بشیر، حسن (1388)، «گفتمان خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره 1، بهار و تابستان.
- بهرامی‌مقدم، سجاد (1397)، «همکاری و تعارض منافع ایالات متحده امریکا - عربستان در خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره 26، پاییز.
- پوراحمدی، حسین (1394)، «اقتصاد سیاسی بین‌الملل و ظهور و کارکرد داعش در خاورمیانه»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هفتم، شماره 1، پاییز.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (1393)، «ماهیت اتحادها در خاورمیانه؛ قدرت یا هویت؟»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره 3، پاییز.
- زارعان، احمد (1395)، «بازخوانی نظریه برخورد تمدن‌ها بر اساس تحولات خاورمیانه در دو دهه اخیر»، پژوهش سیاست نظری، شماره 19، بهار و تابستان.
- سردارنیا، خلیل‌الله (1394)، «ایترنیت و انقلاب خاموش جوانان در خاورمیانه»، فصلنامه دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره اول، شماره 4، زمستان.
- سریع‌القلم، محمود (1395)، «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره 1، زمستان.
- صنیع‌اجلال، مریم (1396)، «بررسی نقش دیپلماسی در تولید شناخت و جهان در شبکه خاورمیانه»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره 6، شماره 3، پیاپی 23.
- عاملی، سعید (1395)، «نظام جهانی جنسیت و سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه؛ مطالعه موردی: دوره وزارت هیلاری کلینتون»، مطالعات زن و خانواده، دوره چهارم، شماره 1، بهار و تابستان.
- عباسی اشلقی، مجید (1388)، «چهارچوبی تحلیلی برای مفهوم امنیت از منظر سازه‌نگاری»، مطالعات سیاسی، زمستان، شماره 6.
- عباسی، ابراهیم (1393)، «خاورمیانه شمالی: سازه‌ای جدید برای همکاری در شبکه منطقه‌ای خاورمیانه»، سیاست جهانی، دوره سوم، شماره 1، بهار.
- عسگرخانی، ابومحمد (1389)، «بررسی امنیت بین‌الملل: در گذر از نظریه واقع‌گرایی به نظریه پسانوگرایی»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره 24، زمستان.
- عطار، سعید (1397)، «تحلیل نهادی دولت‌های ورشکسته در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست‌ویکم، شماره 2، تابستان.

- قاسمی، فرهاد (1393)، نظریه‌های روابط بین‌الملل: سایبرنتیک و سیاست خارجی، تهران: میزان.
- قاسمی، فرهاد (1392)، نظریه‌های روابط بین‌الملل: بنیان‌های نظری نظم و رژیم‌های بین‌المللی، تهران: میزان.
- قاسمی، فرهاد (1393)، نظریه‌های روابط بین‌الملل: سایبرنتیک و سیاست خارجی، تهران: میزان.
- قاسمی، فرهاد؛ عباسی خوشکار، امیر (1397)، «پویش قدرت در نظم‌های منطقه‌ای و راهبرد امنیتی دولت متحد منطقه‌ای: مطالعه موردی راهبرد امنیت ملی رژیم صهیونیستی در جنگ داخلی سوریه 2019-2012»، فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره 3، پیاپی 39، پاییز.
- کشاورز شکری، عباس (1392)، «دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه: تحول ارتباطات و لزوم کاربرد ابزارهای نوین»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال چهاردهم، شماره 23، پاییز.
- مصلی‌نژاد، عباس (1391)، «پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره 3، پاییز.
- مک‌دانل، دایان (1380)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه: حسین علی‌نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- نامی، محمدحسن (1388)، «تحلیل جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره 2، پاییز.
- هادیان، ناصر (1382)، «سازهانگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، سیاست خارجی، شماره 68.
- یزدان‌فام، محمود (1390)، «تحولات جهان عرب: صورت‌بندی قدرت و هویت در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره 2، تابستان.

- Alcadipani, Rafael and Hassard, John (2010), "Actor-Network theory, organizations and critique: towards a politics of organizing", *Organization*, 17 (4).
- Bordeleau, E. (2015), *Bruno latour and the miraculous present of enunciation, In breaking the spell: contemporary realism under discussion*, edited by A. longo and S. de sanctis, Milano: mimesis international.
- Boschma, Ron (2009), "Applying social network analysis in economic geography: framing some key analytic 1 issues", *The Annals of regional science*, 43 (3).
- Fritsch, Michael (2013), "Who are the knowledge brokers in regional systems of innovation? A multiactor network analysis", *Journal Regional Studies*, Issue 5, Vol. 47.
- Gilde, Lieke (2014), *Social network theory in international relations research*, see to <http://arno.uvt.nl/show.cgi?fid=133127>
- Hennion, A, Muecky, Stephan (2016), *from ANT to pragmatism: A journey with Bruno latour at the CSI*, Vol. 47, No. 2 & 3, Spring & Summer.
- Hobson, John M. and Stephen Hobden (2002), *Historical sociology of international relations*, Cambridge: Cambridge university press.
- Maoz, Zeev (2012), *How network analysis can inform the study of international relations*, Conflict management and peace science.
- Masys, Anthony (2014), *Networks and network analysis for defence and security*, Springer.
- Passoth, Jan and Rowland, Nicholas (2010), "Actor-Network state integrating actor-network theory and state theory", *international sociology*, Vol. 25 (6), November.
- Ressler, Steve (2006), *Social network analysis as an approach to combat terrorism: past, present and future research*, <https://www.hsaj.org/articles/171>.
- Watts, Duncan J. (2007), *A twenty-first century science*, Nature 445 (10).



مطالعات تحول در
علوم انسانی